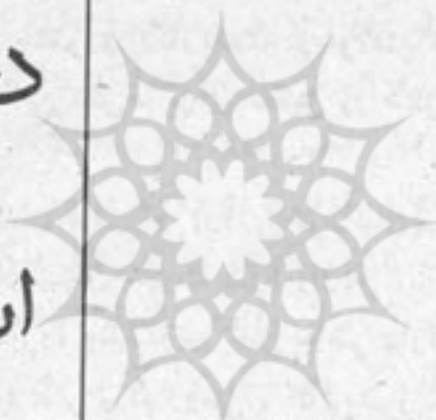


گوشه‌ای از خاطرات يك سفر :

موسیقی

در

ارمنستان



نوشته روح‌الله خالقی

یکی از تمدن‌های قدیمی مشرق‌زمین که آنرا «اورارتو» مینامند و بعدها منقرض شده و از میان رفته ولی آثار تاریخی آن بدست آمده و در موزه تاریخی ایروان حفظ میشود در همان سرزمینی است که امروز در اتحاد شوروی بنام «جمهوری ارمنستان» خوانده میشود.

ارمنستان که دارای سابقه تمدن کهن میباشد قرن‌ها در میان امپراطوری روم و شاهنشاهی ایران و سپس در بین دولت‌های عثمانی و ایران واقع شده و هرچند ایرانیها همواره نسبت بآنها با مهربانی و محبت رفتار کرده‌اند ولی بعکس ترکان عثمانی اغلب موجبات زحمت مردم آن سرزمین را فراهم آورده و مایه جنگ و خونریزی شده‌اند تا اینکه بعد از تشکیل دولت مستقل ارمنستان این سرزمین در عداد جمهوریهای دیگر شوروی در آمد.

ارمنستان که فعلایکی از ۱۵ جمهوری اتحاد شورویست، کشور است کوهستانی در جنوب کوههای قفقاز بمساحت سی هزار کیلومتر مربع که با ایران و ترکیه همسایه است. این جمهوری از لحاظ فرهنگی به ترقیات بزرگی نائل شده و آکادمی علوم آن حتی به کشفیات تازه ای در علوم توفیق یافته است.

بنای زیبایی بنام « ماتناداران » در ایروان ساخته شده که گنجینه بزرگی از اسناد تاریخی و کتابهای خطی میباشد و در آن دوست هزار آرشیو اسناد رسمی تاریخی و یکصد هزار نسخه های خطی آثار ادبی حفظ میشود. از جمله یک هزار نسخه خطی فارسی، عربی، یونانی، سریانی و لاتین نیز در این گنجینه موجود است. این کتابها از لحاظ قدمت و تاریخی و خط و مینیاتور و غیره هر یک ممتاز میباشد، حتی نسخه های بزبان ارمنی موجود است که از زبانهای دیگر ترجمه شده ولی اصل آنها از بین رفته است. از روی مینیاتورهای کتابها که دارای اشکال قدیمی سازهای مختلف موسیقی مشرق زمین بوده است تابلوهای بزرگی نقاشی کرده اند که دیدن آنها در این موزه موجب خشنودی نگارنده شد و خواهش کردم از روی آنها عکس برداری نموده ارسال دارند چه این نقشها برای تحقیق در شکل آلات موسیقی شرقی بسیار مفید است.

در میان هنرمندان ارمنی « اوانس تومانیان » شاعر و « خاچاتور آ بوویان » مؤسس ادبیات جدید ارمنستان شهرت بسزا دارند. ایروان پایتخت ارمنستان از نظر موسیقی ترقیات بسیار کرده چنانکه در حال حاضر دارای تالارهای اپرا و باله، تئاتر دراماتیک ارمنی، تئاتر درام روسی، تئاتر موزیکال ارمنی، تئاتر کودکان، انجمن فیلامونیک و تالارهای متعدد کنسرت زمستانی و تابستانی و استودیو فیلمبرداری میباشد. در اغلب شهرهای ارمنستان مدرسه موسیقی هست و ایروان دارای یک کنسرواتوار کامل میباشد که تمام رشته های موسیقی در آن تعلیم داده میشود.

هر چند اقامت نگارنده در شهر ایروان بیش از سه روز نبود و در چنین مدت کوتاه بعضی از مؤسسات فرهنگی مانند موزه ها و آثار تاریخی و غیره هم بازدید شد و فرصت زیادی نبود که مطالعه کاملی در موسیقی آنجا بشود، ولی چون هر سه شب به کنسرت و نمایش اپرا رفتم و در یکی از آن روزها هم از فیلامونی بازدید نمودم و هر گاه فرصت کوتاهی دست میداد با اهل هنر درباره موسیقی گفتگو میکردم با وجود وقت کم باز توانستم نسبتاً اطلاعات مفیدی بدست آورم و از کوششهایی که در سالیان اخیر مخصوصاً نسبت به پیشرفت موسیقی کرده اند مطلع شوم. بطور کلی در ارمنستان شوروی هم مانند سایر جمهوریهای اتحاد شوروی همان نقشه و طرح اصلی که بنظر هر ذی فنی کاملاً دقیق و حساب شده و صحیح است در مورد موسیقی

عمل میشود یعنی از يك طرف موسیقی علمی بسا تمام تشکیلات فنی خود در تربیت هنرمندان مشغول است و از جهتی موسیقی ملی هم با حفظ خواص و اصالت طبیعی اجرا میشود .

از حسن تصادف من در ایروان سه نوع مختلف موسیقی شنیدم که هر يك برنامه خاصی را تشکیل میداد و عبارت بود از : اپرا ، موسیقی ملی و موسیقی جاز واقعی . و این هر سه که از دیگری بکلی متمایز بود بخوبی اجرا گردید و معلوم شد که هر نوع موسیقی تمام کیفیات و خصوصیات خود را داراست و هیچکدام از آنها بی جهت با هم مخلوط نمیشود که نتیجه نامناسبی بار آورد .

برای اپرای ایوان ده سال است که تالار مخصوصی ساخته اند . این سالن دایره مانند از وسط دو نیم شده که يك طرف آن سالن کنسرت و طرف دیگر سالن اپرا است و هر قسمت دارای تشکیلات کامل خاص خود میباشد و بطوری خوب از هم مجزا شده و ورودی جدا دارد که هیچکدام مزاحم کار دیگری نیست و اگر بکسی نکویند تصور میکند بکلی دو سالن مجزا از هم میباشد . البته این نکته را باید یادآوری کرد که اپرای ارمنستان دارای سی سال سابقه است و قبلاً نمایشهای اپرایی در سالن دیگری که بخوبی تالار فعلی مجهز نبود بدورد اجرا گذاشته میشد . شبی که من در ایروان بودم برنامه اپرا « ریگولتو » اثر « وردی » بود . يك خواننده معروف هم از کشور رومانی آمده بود که نقش ریگولتو را او بازی میکرد و در کار خود بسیار مهارت داشت . ریگولتو صدای عالی داشت . اشعار اپرا بزبان روسی بود . دکور و صحنه سازی و بازی و خوانندگی و موسیقی و ارکستر بسیار خوب بود . مخصوصاً ارکستر اپرا که بنظر میآمد دارای اقل ۶۰ نوازنده است کار خود را با کمال شایستگی انجام میداد . بنظرم نمیرسید که در يك شهر شرقی در سالن اپرا نشسته ام چه همه چیز آن بجای خود خوب و نیکو بود و هر شنونده و بیننده کاملاً متوجه میشد که فرهنگ موسیقی این مردم خیلی قوی است که باین ترتیب میتوانند يك اپرای خارجی را صحیح و درست بنمایش گذارند و چون اپرا عالیترین نوع موسیقی است که باید از تمام جهات مجهز باشد پس سهولت میتوان استنباط کرد که مردم ارمنستان از لحاظ موسیقی علمی در سطحی بالا قرار دارند . اپرا های خارجی را نه تنها بزبان روسی بلکه بزبان ارمنی نیز اجرا مینمایند و از زمانهای پیش شاعران و آهنگسازان معروفی داشته اند که داستانهای ملی را نیز بصورت اپرا در آورده اند چنانکه شب بعد که متاسفانه مسافرت من خاتمه مییافت اپرای معروفی بنام « انوش » جزء برنامه بود که دیدن آن میسر نشد .

از اپرا که بگذریم در شهر ایروان يك کنسرواتوار مجهز بشام وسایل هست

که برای تمام رشته‌های موسیقی حتی آهنگسازی و رهبری ارکستر و «کر» متخصص تربیت میکند و هم اکنون کمپوزیتورهای معروفی در ارمنستان و سایر جمهوریهای شوروی از ارامنه مشغول فعالیت هنری هستند و وجود «آرام خاچاطوریان» که اکنون استاد کنسرواتوار مسکو در رشته آهنگسازی است و شهرت جهانی دارد خود دلیل براستعداد و نبوغ موسیقی این ملت آریایی نژاد است.

در یکی از شبها که به سالن کنسرت فیلارمونی ایروان رفتیم و نیمه اول برنامه شامل قسمت‌های مختلفی از موسیقی علمی بود، سولیت‌هایی که همه ارمنی بودند سولوهای با ویولن، پیانو، ترومپت و قطعات آوازی اجرا کردند که همه زیبا و عالی بود. مخصوصاً استاد کنسرواتوار یک قطعه با ویلن سل نواخت که از نظر تکنیک و رسائی و خوش صدائی بسیار ممتاز بود. مردی هفتادساله بنام «شاراتالیان» آواز خواند. می‌گفتند بیش از چهل سال است که در صحنه آواز می‌خواند و در اولین ابرائی که سی سال قبل در ایروان داده شده آواز خوانده و نقش مهمی را ایفا نموده است. البته بمقتضای سن صدایش کمی ملاحظت خود را از دست داده بود ولی هنوز شنیدنی و قابل استفاده بود. راستی چقدر غشونود شدم که این هنرمند تا چه اندازه باید سلامتی خود را حفظ کرده باشد که هنوز میتواند آواز بخواند.

فیلارمونی ارمنستان یک مؤسسه اداری است که خوشبختانه موفق شدم یک روز بدیدن رئیس آن بروم و با اقداماتی که در رشته‌های مختلف موسیقی کرده‌اند آشنا شوم. تمام ارکسترها و آنسامبل‌ها و هیئت‌های موسیقی با استثنای آنچه مربوط بکنسرواتوار و اپرا است زیر نظر فیلارمونی میباشد.

گروه‌هایی که برای اجرای برنامه‌های کنسرت بخارج میروند یا با ارمنستان دعوت میشوند از طرف فیلارمونی برنامه کنسرتهايشان تنظیم میشود. فیلارمونی ایروان دارای تشکیلات ذیل است:

- ۱- ارکستر سمفونیک با ۷۵ نوازنده که رهبر آن «اگان دوریان» است. البته باید توجه داشت که اپرا خود دارای ارکستر جداگانه است.
- ۲- دسته آواز جمعی (کر) که ۶۰ نفر هستند و رهبر آن «چکی جیان» است. رئیس فیلارمونی اظهار داشت که رهبر کر هم اکنون در اطاق مجاور است. اگر میل دارید با خودش صحبت کنید. بسیار موجب خشنودی شد. آمد و راجع به تشکیلات خود توضیحاتی داد. معلوم شد خوانندگان یا کنسرواتوار را تمام کرده یا از آموزشگاههای موسیقی فارغ التحصیل شده‌اند. عده‌ای هم از باشکاهای هنری می‌آیند و پس از مدتی تمرین وقتی خوب بکار خود وارد شدند جزء دسته خوانندگان رسمی میشوند.

۳- دسته رقص و آواز و موسیقی ملی که ۷۵ نفر هستند. نوازندگان این دسته که سازهای شرقی مینوازند در آموزشگاه مخصوص تعلیم می گیرند و رقصان هم در آموزشگاه بالت آماده میشوند که دارای شعبه مخصوص رقصهای ملی است. يك آسامبل دیگر هم با عده ای در حدود ۵۰ نفر دارند.

۴- موسیقی جاز چون طرف توجه جوانان است در فیلارمونی دارای تشکیلات مخصوص است و رویهمرفته سه دسته ارکستر جاز دارند یکی با ۳۵ نوازنده که «ارکستر استرارد دولتی» نامیده میشود و دو ارکستر دیگر هر کدام ۱۶ نوازنده و چند خواننده دارند.

اتفاقاً اولین شبی که به ابروان وارد شدم برنامه کنسرت مخصوص ارکستر جاز بود که در صحنه اجرا میشد و شامل قطعات مختلف از موسیقی غربی و شرقی بسبک جاز بود که خوانندگان متعدد داشت و تالار مملو از جوانان دختر و پسر بود که هنرمندان را بسیار تشویق میکردند. ارکستر جاز شنیدنی بود و کسی با آن نمیرقصید بلکه از گوش دادن لذت میبرد. برنامه تقریباً جنبه بین المللی داشت زیرا اشعار بزبانهای مختلف ارمنی، روسی، ترکی، انگلیسی خوانده میشد و حتی ترانه ای ایرانی بود. رویهمرفته يك نوع موسیقی سبک عامه پسند مطلوب طبقه جوان بود. رئیس فیلارمونی میگفت ما همه نوع موسیقی برای ذوقهای مختلف داریم و خود را فقط یکی دو نوع محدود نمی کنیم و هر کس مطابق ذوق و فهم خود موسیقی طرف علاقه خود را گوش میکند.

اما موسیقی ملی ارمنی که سابقه قدیم دارد و دو مؤسسه در این قسمت مدتهاست مشغول مطالعه و کار میباشد؛ یکی مؤسسه جمع آوری فولکلور است مانند قصه ها و افسانه ها که یکی از شعبه های فرهنگستان علوم ارمنستان است و دیگری اختصاص بگرد آوردن و ضبط ترانه های محلی و بومی دارد که خود مؤسسه مستقلی است.

ارکستر موسیقی ملی ابروان تشکیل میشد از این سازها:

نوعی «نی لیک» که آنرا «شوی» Shvi مینامند.

«دودوک» که نوعی ساز بادی دارای زبانه مضاعف مانند اوبوا میباشد

و از چوب زردالو ساخته میشود و صدای بسیار مطلوبی دارد.

«زورنا» که صدای آن تیز و نظیر «سرنا» میباشد.

کمانچه که ساز آرشه ای این ارکستر است.

«قانون» که آنرا «کانن» Kanon مینامند و «عود» همان سازی که در

ترکیه و کشورهای عربی معمول است و تازگی در ایران هم مینوازند و در حقیقت

همان «بربط» قدیمی ایران است.

آلت ضربی ارکستر هم نوعی طبل است که آنرا «دهل» Dohol مینامند. اتفاقاً بعد از شنیدن برنامه کنسرت موسیقی ملی روز دیگر در فیلارمونی با رهبر این ارکستر فرصت ملاقات دست داد و از او پرسیدم چگونه است که ارکستر شما دارای هارمونی و صدا های مختلف است که با هم تلفیق شده در صورتیکه نوازندگان از حفظ مینواختند و نت و پوپیتر نداشتند و کسی هم آنها را رهبری نمیکرد؟

گفت سؤال درستی است. فوراً رفت و از اطاق دیگر پارتیتور یکی از آهنگهای ملی را که خود برای ارکستر نوشته، بود آورد. دیدم مثل پارتیتور ارکستری که دارای هارمونی است از بالا بیابین بترتیب برای تمام سازها پارتی جداگانه زیر هم نوشته شده. ۱ سپس توضیح داد که در موقع تمرین، نوازندگان از روی نت مینوازند و او هم آنها را رهبری میکند تا اینکه کلاً با آهنگ آشنا شوند سپس آنقدر باید تمرین بکنند تا همه بخوبی پارتی خود را حفظ کنند. او میگفت کاملاً مخالف است که نوازندگانی که سازهای ملی مینوازند و با ارکستر آنها بالربین هائی با لباسهای ملی میرقصند و خوانندگانی نغمه های ملی میخوانند با نت و پوپیتر در صحنه ظاهر شوند و این ترتیبی که داده شده طبیعی تر است.

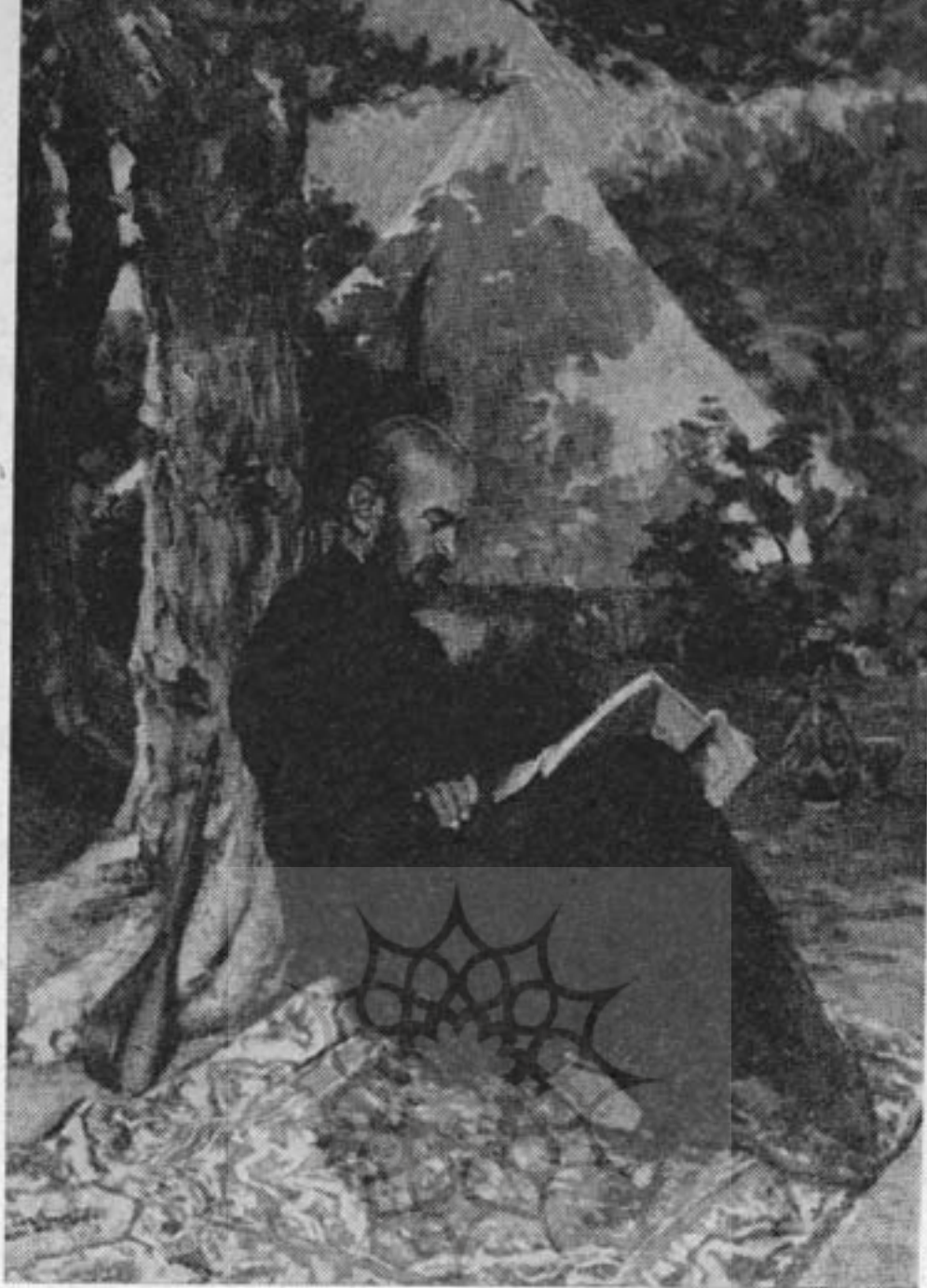
در مورد عود و قانون پرسیدم چه شده است که این سازها در ارکستر ملی ارمنستان بکار رفته؟ گفت ممکن است آنها که سابقاً از ترکیه بارمنستان مهاجرت کرده اند با خود آورده باشند و چون سازهای خوش صدائی است در بین ما معمول شده و در ارکستر بکار برده ایم.

سال گذشته انجمن فیلارمونی تهران از دستة رقص و آواز ابروان دعوت کرده بود که برای دادن کنسرت با ایران بیایند و ممکن است این برنامه با سال موکول شود. ارکستر بسیار جالب خوش صدای ورزیده است. چهار نوازنده قانون از خانها بودند. عده ارکستر در حدود ۱۶ نفر بود ولی بطوری که می گفتند دسته کاملتری دارند که برای کنسرت از ابروان خارج شده بود. در هر حال برنامه این ارکستر همراه با رقصهای مختلف بالربین های ملی و خوانندگان اگر در ایران اجرا شود شنوندگان و تماشاگران بسیاری خواهد داشت و یکی از زیباترین نمونه های آنسامبل ملی است که نگارنده در اتحاد شوروی دیده است.

در پایان این مقال بی مناسبت نیست از آهنگساز نامی ارمنی «کومیتاس»

۱ - پارتیتور از بالا به پائین برای این سازها نوشته شده بود: شوی - دودوک کائن (اول - دوم - سوم) کمانچه - عود - دهل و باس. ساز اخیر نوعی آلت مضرابی بود که شباهت به باس ارکستر بالالایکا داشت.

Komitas - ۲



پروفسور کاهن‌آرام آهنگساز ارمنی

رتال جامع علوم انسانی

که بنیان گذار مکتب جدید موسیقی ملی ارمنستان و اولین آهنگساز موسیقی کلاسیک ارمنی است گفتگویی بمیان آورم . وی در سال ۱۸۶۹ در شهر کوچک «کوتینا»^۱ بدنیا آمد . او را در کودکی به «اچمیادزین»^۲ مرکز روحانی ارمنه فرستادند که علاوه بر دروس معمولی آواز و موسیقی هم تدریس میشد . بزودی قریحه او شکفته شد و برای تحصیل موسیقی به برلن رفت و دوره کنسرواتوار را بیابان رسانید . سپس

۱- Kootina که اکنون در کشور ترکیه است .

۲- «اچمیادزین» مقرر مذهبی کلیسا و اسقف ارمنی در نزدیکی ایروان و اهمیت آن در مذهب ارمنی نظیر «واتیکان» ایتالیا در مذهب کاتولیک است .

به اچمیادزین بازگشت و دسته آواز جمعی کلیسا را رهبری کرد. از آنجا به قسطنطنیه رفت و آثار متعددی نوشت و منتشر کرد. در سال ۱۹۱۵ فاجعه بزرگی برای ملت ارمنی در عثمانی رخ داد. عده‌ای قتل و عام شدند و جمعی تبعید و فراری گشتند. تحمل این درد ورنج برای او دشوار بود و موجب اختلال فکر او شد و دوچار بیماری روانی گردید و سالهای پایان عمرش در بیمارستان امراض روحی گذشت و در ۱۹۳۵ بدرود زندگی گفت.

دوران زندگی او کوتاه و توأم بامشقات بسیار بود. با این حال بسیاری از آوازه‌های ملی ارمنی را جمع‌آوری و تنظیم نمود و آثار مهمی از خود بیادگار گذاشت و خدمت مهمی بموسیقی ارمنی کرد. «دبوسی» آهنگساز مشهور فرانسوی در باره کومیتاس گفته بود:

«اگر کومیتاس فقط «آنتونی» را مینوشت همین يك اثر هم کافی بود که ما او را «آهنگساز بزرگ» بنامیم.»

انستیتوی هنر فرهنگستان علوم ارمنستان شوروی مشغول جمع‌آوری آثار پراکنده کومیتاس میباشد و بزودی آثار وی در ایروان چاپ و منتشر خواهد شد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی